

برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل

دکتر علیرضا دلخوش^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. دکترای حقوق بین‌الملل، a71d2000@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۵ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۲/۵

چکیده

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با توافق نهایی وزرای امور خارجه ۱+۵ و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) به امضا رسید. متعاقب امضای این سند و تنها پس از شش روز، در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵)، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به تصویب رسید که بر اساس آن، تحریم‌های قبلی شورای امنیت ملغی شده و کشورهای امضاکننده برجام، موظف به اجرای کامل تعهدات مندرج در آن شدند. بدعهدی‌های ناشی از عدم حسن نیت طرف‌های غربی و بویژه آمریکا در ماه‌های پس از اجرایی شدن برجام و به شکل ملموس‌تر پس از آغاز ریاست جمهوری ترامپ، در تعارض با حسن نیت در اجرای تعهدات بین‌المللی برجام بوده و با توجه به تأکید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بر ضرورت اجرای کامل برجام و خودداری از هرگونه اقدام تضعیف‌کننده این سند همکاری، اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا و برخی اقدامات انجام شده توسط تیم وی و کنگره این کشور در خصوص برجام، همانگونه که اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی و روسیه نیز بر آن اذعان دارند، تضعیف‌کننده این سند و مغایر با روح برجام و قطعنامه الزام‌آور ۲۲۳۱ محسوب می‌گردد.

▪ واژگان کلیدی:

برجام، آمریکا، ایران، روسیه، حقوق بین‌الملل، اتحادیه اروپا، مذاکرات هسته‌ای، تحریم‌ها

مقدمه

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با توافق نهایی وزرای امور خارجه ۱+۵ و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) به امضا رسید.

به منظور تحکیم پایه‌های عملی و ضمانت اجرایی این توافق، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی جلسه ۷۴۸۸ خود، قطعنامه ۲۲۳۱ را در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) به تصویب رسانده و از کشورهای امضاکننده برجام خواست تا در اجرای تعهدات خود، کوشا باشند و کلیه قطعنامه‌های قبلی تحریمی علیه ایران لغو گردید.

با اینحال، مسیر همکاری کشورهای امضاکننده برجام از همان آغاز، مسیری سهل و هموار نبود. بدعهدی‌ها مبتنی بر عدم حسن نیت از سوی طرفهای غربی و بویژه آمریکا در ماههای پس از اجرایی شدن برجام، به دفعات مورد اعتراض مقامات ایرانی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در ماههای منتهی به پایان دوره ریاست جمهوری اوباما، با انجام مذاکرات متعدد، تلاش نمود تا طرفهای غربی متعهد برجام را نسبت به برخی اقدامات و تصمیمات طرف آمریکایی و اتحادیه اروپا که به نوعی در تعارض با حسن نیت در اجرای تعهدات بین‌المللی برجام بود، آگاه سازد.

اقداماتی نظیر تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ضد ایرانی (آیسا) توسط مجلس نمایندگان آمریکا و مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ هشتم دسامبر ۲۰۱۵ (۱۷ آذر ۱۳۹۴) مبنی بر اعمال محدودیت‌های جدید برای ورود به آمریکا توسط شهروندان کشورهای ثالثی که به ایران رفت و آمد دارند، بخشی از اقداماتی بودند که دولت آمریکا پس از امضای برجام انجام داد که سنخیتی با حسن نیت در اجرای این توافق بین‌المللی نداشته و مورد شکایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

در واکنش به اعتراضات جمهوری اسلامی ایران نسبت به این شیوه نادرست و اقدامات غیرسازنده طرف آمریکایی و پیگیری روش‌های پیش‌بینی شده در برجام برای رفع

اختلافات ناشی از اجرای برجام، کاخ سفید در ابتدا (اواخر دوره ریاست جمهوری اوباما) بطور مکرر بر پایبندی این کشور به برجام و ضرورت پاسداشت این تعهد بین‌المللی تأکید می‌نمود.^۱

جابجایی باراک اوباما با دونالد ترامپ، اما موضوع را وارد مرحله جدید نمود. با تغییر تیم کاخ سفید، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه انتقادات دوران مبارزات انتخاباتی خود، تلاش زیادی کرد تا بدواً، اعتبار بین‌المللی برجام را زیر سؤال ببرد.^۲ او با اعمال محدودیتها و تحریم‌های متناقض با برجام، تلاش نموده است تا روح برجام را از درون تهی نموده و کوشید تا جایگاه یک توافق بین‌المللی چند جانبه‌ای که با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز ضمانت اجرای بین‌المللی یافته است را تا مرحله یک تعهد دو جانبه بین ایران و آمریکا، کاهش داده و نهایتاً اعلام فسخ یک طرفه این تعهد دو جانبه را اعلام نماید.

این رویکرد غیر اصولی و غیر حرفه‌ای ترامپ بلافاصله با مخالفت شدید و صریح اتحادیه اروپا و سه کشور روسیه، فرانسه و انگلیس و حتی تیم سیاسی وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت بطوریکه برای ترامپ چاره‌ای جز عقب نشینی از موضع خود مبنی بر فسخ یکطرفه برجام باقی نماند، اما تکرار اقدامات ناقض هدف و روح برجام، کماکان در دستور کار تیم جدید کاخ سفید قرار دارد.

در این خصوص، سوال این است که بدون در نظر گرفتن تبعات سیاسی و امنیتی نقض عهد آمریکا در برجام، آیا این کشور و یا هر کشور دیگر عضو برجام، امکان حقوقی نقض برجام را دارد؟ آیا اعمال تحریم‌های خارج از موضوع هسته‌ای ایران (موضوعات تحت رژیم برجام) از سوی دولت ترامپ، با اجرای برجام، همخوان است؟

در این مقاله کوشش می‌شود تا با بیان ماهیت حقوقی سند برجام و روشن سازی مبنای اصلی این سند که عبارت از تعهد به همکاری است، ویژگی این سند را از منظر

^۱- Statement by the President on the One Year Anniversary of the Joint Comprehensive Plan of Action, The White House, Office of the Press Secretary, July 14, 2016

^۲- Donald Trump: Terming the Joint Comprehensive Plan of Action "a bad deal," "US will force the Iranians back to the bargaining table to make a much better deal." September 2015 ; "We have been humiliated by Press Obama and his policies. We have been humiliated by the Iran deal," the Republican presidential nominee said at a rally in Daytona Beach, Florida, August, 2016.

حقوق بین‌الملل معاهدات مشخص نموده (بخش اول) و سپس به رویکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد به این توافق بین‌المللی و آثار و تبعات این رویکرد و همچنین مسئولیت‌های طرف‌های متعاقد، پرداخته و در نهایت به بررسی شیوه اجرای کنونی برجام از سوی طرف‌های آن و ارزیابی‌های طرف ایران از اجرای سند (بخش دوم) پرداخته شود.

بخش اول: برجام و تعهدات بین‌المللی طرف‌های آن

سند برجام چه ویژگی‌های حقوقی دارد؟ این سوال اساسی روشنگر ابعاد حقوقی و الزام‌آور تعهدات موجود در آن و تبعات نقض‌های احتمالی مفاد آن از سوی طرف‌های امضاکننده و مسئولیت‌های بین‌المللی این کشورها و سایر اعضای ملل متحد می‌باشد. آنچه که از ماهیت این سند بین‌المللی و جریان مذاکرات نه چندان مختصر طرف‌های این سند مشخص می‌گردد اینکه اساس ماهیت برجام، تاکید بر یک "تعهد جامع همکاری" جهت رفع نگرانی‌های مربوط به فعالیتهای هسته‌ای ایران از سویی و دستیابی جمهوری اسلامی ایران بر حقوق متعدد شناسایی شده بین‌المللی نظیر "حق بر توسعه"، "حق بر تجارت آزاد" و "حق برخورداری از روابط اقتصادی و سیاسی با تمامی کشورها" می‌باشد.^۱ در این بخش ضمن اشاره‌ای گذرا به مفهوم "تعهد به همکاری" در حقوق بین‌الملل، در مورد ماهیت حقوقی سند برجام و رویکرد شورای امنیت سازمان ملل در قبال این توافق بین‌المللی، بحث خواهیم نمود.

فصل اول: "تعهد به همکاری" در برجام

یکی از شاخصه‌های پراهمیت برجام، تاکید طرف‌های امضاکننده این سند بین‌المللی بر عنصر "تعهد" می‌باشد.

^۱ برای مطالعه متن فارسی برجام، نک:

http://www.mfa.gov.ir/uploads/150726-JCPOA-PERSIAN-Final-11_56083.pdf

For English text of JCPOA, see:

http://eeas.europa.eu/archives/docs/statements-eeas/docs/iran_agreement/iran_joint-comprehensive-plan-of-action_en.pdf

در بند هجدهم از بخش "مقدمه و مقررات کلی" برجام، طرف‌های امضا کنند این سند، بر تعهد به همکاری متقابل در خصوص مصارف صلح آمیز انرژی هسته‌ای، تصریح نموده‌اند^۱

همچنین کشورهای ۱+۵ و اتحادیه اروپا در "بیانیه کشورهای فرانسه، آلمان، انگلیس، آمریکا و نماینده عالی اتحادیه اروپا در خصوص سیاست امنیتی و تجارت با ایران در دوران پسابرجام"^۲ ضمن تاکید بر آمادگی کشورهای مزبور به همکاری با ایران در جهت توسعه اقتصادی و صنعتی تاکید نمودند.^۳

تئوری اصالت تعهد حقوقی دولت‌ها به "همکاری بین‌المللی" (Duty to Cooperate) در حقوق بین‌الملل از جمله مفاهیمی است که دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد. اساساً بنای اصلی حقوق بین‌الملل، مبتنی بر اصل همکاری بین دولت‌هاست چرا که پایه و شالوده تعهدات بین‌المللی در پیوند جامعه شناختی و رابطه متقابل میان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) قرار گرفته است. با اینکه نظم عمومی بین‌المللی، هنوز از سازمان حقوقی پیشرفته‌ای برخوردار نگشته است اما تعهد دولت‌ها به همکاری در برخی مفاهیم عام بین‌المللی، چندان نیز بدون جایگاه نمی‌باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در سال ۱۹۵۱، در قضیه اعمال حق شرط بر کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، ضمن تصریح بر "نفع مشترک" در تحقق اهداف عالی‌ای که فلسفه وجودی کنوانسیون مزبور می‌باشد، مبنای نظم عمومی

^۱- JCPOA, PREAMBLE AND GENERAL PROVISIONS:

Xii) The EU and E3+3 countries and IRAN, in the framework of the JCPOA, will cooperate, as appropriate, in the field of ...

^۲- "Statement by France, Germany, United Kingdom, United States and the High Representative of the European Union for Foreign Affairs and Security Policy on Post-JCPOA Business with Iran", Bruxelles, 19/05/2016.

^۳- In the JCPOA, all parties pledged to take steps to ensure Iran's access in areas of trade, technology, finance and energy. In this context, the EU and its Member States are exploring possible areas of cooperation with Iran, including the use of export credits to facilitate trade, project financing, and investment in Iran. Importantly, the due diligence required for sanctions compliance is by no means unique to business opportunities in Iran.

بین‌المللی را .خیر مشترک" دانسته است^۱، مفهومی که ماده ۵۳ کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) نیز با تصریح بر قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام، از آن سخن رانده است. منشور ملل متحد در ماده ۱، ضمن تاکید بر اینکه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از اهداف اصلی ملل متحد می‌باشد، بر لزوم حل و فصل اختلافات بین‌المللی دولت‌ها طبق "اصول عدالت و حقوق بین‌الملل" (که همان "نفع مشترک" است) در برابر "ملاحظات و منافع حاکمیتی دولت‌ها" (که نفع خاص می‌باشد)، تصریح نموده است.

منشور، در این رابطه و در بیان اهداف و مقررات الزام آور اعضای ملل متحد، به دفعات از "همکاری اعضا" و "تشریک مساعی به یکدیگر" در دستیابی به اهداف ملل متحد و در راس آنها، صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه و ثبات برای ملتها (نفع مشترک)، سخن رانده است.

در مقدمه منشور این گونه آمده است که: ما مردم ملل متحد ... مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد با یکدیگر "تشریک مساعی" نمائیم.

ماده ۴۹ منشور، اعضای ملل متحد را در اجرای تصمیمات متخذه از سوی شورای امنیت، متعهد به "تشریک مساعی و همکاری" دانسته و در ماده ۷۳ (بند دال) نیز، موضوع "تعهد" اعضا به همکاری با یکدیگر و در مواقع مقتضی با سازمان‌های تخصصی، را باز یادآوری نموده است.

ویژگی حقوقی تعهد به "همکاری" در حقوق بین‌الملل، از موضوعات به شدت چالشی می‌باشد. اینکه آیا این تعهد، به معنای واقعی کلمه واجد ویژگی‌های حقوقی یک "تکلیف و تعهد" بوده و در موارد نقض، دربردارنده "مسئولیت بین‌المللی" ناقض آن می‌باشد یا خیر، محل مباحث مفصل حقوقی است که از حوصله این بحث، خارج است.^۲

در حالی که به اعتقاد نویسندگانی چون آنتونیو کاسه سه، پا فرا گذاشتن از این تعهد

^۱- ICJ, "Reservations to the convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide", Advisory opinion, 1951.

^۲- برای مطالعه بیشتر در خصوص ویژگی حقوقی "تعهد به همکاری" در حقوق بین‌الملل، نک: علیرضا دلخوش؛ مقاله با جرایم بین‌المللی، تعهد دولتها به همکاری؛ تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰، صص ۹۲-۴۱.

کلی به سمت یک تعهد حقوقی (به معنای دقیق آن)، تجاوز به حریم حاکمیت ملی دولت‌ها و اصل "اختیاری بودن" تعهدات بین‌المللی است^۱، گروهی از حقوقدانان مانند "گارث دوکان"^۲، "ربکا والاس"^۳ و "یان برانلی"^۴، بر ویژگی "استقلال و اصالت حقوقی" این تعهد، مصر می‌باشند.

ویژگی این تعهد، هر چه که باشد، آنجا که تعهد مزبور در موضوعاتی نظیر "حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و صلح و امنیت بین‌المللی" مطرح است، همگان بر الزام آور بودن و عام بودن این تعهد، متفق القولند به نحوی که "آپارو سان خوزه جیل" معتقد است که "هیچ دولتی در برابر تعهد به همکاری دولت‌ها در حوزه‌های عام حقوق بین‌الملل، طرف ثالث محسوب نمی‌شود"^۵.

فصل دوم: برجام و حقوق معاهدات بین‌المللی

از زمان تغییر جهت ناروای "موضوع فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای ایران"^۶ از آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به سمت شورای امنیت سازمان ملل^۷، پیوسته این سؤال مطرح بوده

^۱ آنتونیو کاسه سه؛ حقوق کیفری بین‌المللی؛ ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند، زهرا موسوی؛ تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸.

^۲ Gareth Duncan, "Common but Different Responsibilities: The Implication of Principle Seven and Futy to Cooperate on the Implementation of the Convention on Biological Diversity", Dalhousie University Law School, Halifax, Canada, 2002, p.17

^۳ ربکا والاس؛ حقوق بین‌الملل؛ ویرایش دوم؛ ترجمه و تحقیق: سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو؛ تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷، ص ۴۸.

^۴ یان برانلی؛ حقوق بین‌المللی در واپسین سال‌های قرن بیستم؛ ترجمه صالح رضایی پیش رباط، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳، ص ۵.

^۵ آپارو سان خوزه جیل؛ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر؛ ترجمه ابراهیم بیگزاده؛ مجله تحقیقات حقوقی؛ بهار - تابستان ۱۳۷۹.

^۶ ترمینولوژی در حقوق و روابط بین‌الملل، بسیار اهمیت دارد. تولید ادبیات و یا ادبیات سازی منطبق با واقعیت‌ها و یا برعکس، می‌تواند حتی جهت اصلی یک موضوعی را در حوزه‌های حساس حقوقی و سیاسی، تغییر دهد. از این روی به نظر می‌رسد استفاده از عبارت "پرونده هسته‌ای" ایران، یک واژه سازی اشتباه باشد، گویی جمهوری اسلامی ایران همانند برخی کشورها، دارای پرونده‌ای بنام فعالیتهای هسته‌ای - نظامی است. به همین دلیل، به اعتقاد نویسنده، استفاده از "موضوع فعالیتهای هسته‌ای صلح آمیز ایران"، وافی به مقصد باشد.

^۷ کشورهای اروپایی و آمریکا اجلاس اضطراری شورای حکام را در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۴ (۲۰۰۶/۲/۴) تشکیل دادند و با تصویب قطعنامه شورای حکام علیه فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای ایران، موضوع هسته‌ای را به شورای امنیت ارسال

است که اساساً سرنوشت مباحث حول فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای ایران به چه طریقی به کانال تخصصی و اصلی خود باز خواهد گشت. این انتظار، در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ و در شهر وین به پایان رسید. در این روز وزیرای خارجه پنج بعلاوه یک به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، بر سر متنی با جمهوری اسلامی ایران توافق نمودند که بدلیل ترسیم چارچوب‌های همکاری مشترک، «برنامه جامع اقدام مشترک» (Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) یا همان "برجام" نام گرفت.

سؤالی که بلافاصله پس از رونمایی از برجام در عرصه بین‌المللی و بویژه ایران مطرح شد، ویژگی حقوقی برجام از منظر حقوق معاهدات بین‌المللی بود. سؤال از این جهت مهم بود که آیا الزامی شدن اجرای برجام نیازمند چکش تصویب مجلس شورای اسلامی ایران خواهد بود و آیا اساساً این سند یک معاهده بین‌المللی (آنگونه که در ادبیات حقوق معاهدات بین‌المللی مطرح است) می‌باشد. به بیان دیگر، آیا برجام یک "معاهده بین‌المللی" است و یا یک "توافق سیاسی"؟^۱ حقوق بین‌الملل در مورد نحوه انعقاد معاهدات بین‌المللی، دارای رژیم خاصی است که این رژیم در چارچوب معاهده ۱۹۶۹ وین، بیان گردیده و برخی از مفاد آن نیز علاوه بر جنبه معاهده‌ای، ویژگی عرفی بخود گرفته است. بر اساس ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، معاهده عبارتست از توافقی که به صورت مکتوب میان دولتها و تحت حقوق بین‌المللی منعقد شده باشد اعم از اینکه در یک و یا چند سند باشد و فارغ از اینکه چه نامی دارد. بر اساس این ماده و فرض بر اینکه برجام یک معاهده بین‌المللی باشد، لازم است تا طرف‌های متعاقد، مقدمات و مراحل انعقاد یک معاهده را طی کرده باشند.

لازمه انعقاد یک معاهده رسمی بین‌المللی بر اساس مواد ۱۲، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ معاهده ۱۹۶۹ وین، طی پنج مرحله "مذاکره"، "نگارش"، "پاراف" (امضای مقدماتی)، "تصویب" و

نمودند.

^۱برای مطالعه بیشتر در خصوص پاسخ به این سؤال، نک:

"مبادله" سند می‌باشد.

در صورتی که برجام مطابق کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین، یک معاهده بین‌المللی باشد، لازم می‌بود تا مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و پس از تصویب مجلس و اعلام عدم مغایرت آن با شرع مقدس اسلام و قانون اساسی در شورای نگهبان، مطابق اصل ۱۲۵ قانون اساسی توسط رئیس جمهور امضا شود. این در حالی است که برجام، نه مرحله تصویب در مجلس شورای اسلامی را گذرانده و نه اساساً موضوع هسته‌ای ایران در دایره مسئولیت‌های مجلس قرار داشته است و در همان زمان معاون حقوقی رئیس جمهور نیز تاکید نمود که این متن (برجام) یک معاهده نمی‌باشد و از این منظر نیازمند تصویب مجلس طی روند قانونی طبق قانون اساسی نیست.

هرچند قبل از تأیید و امضای برجام در وین، مجلس شورای اسلامی با تصویب قانونی که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده بود، خود را از پرداختن به برجام مبری نمود و آن را به شورای عالی امنیت ملی واگذار کرد، ولی بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب و آن هم براساس بی‌اعتمادی دیرینه نسبت به آمریکا، کار تصویب این توافق در شورای عالی امنیت ملی و به موازات آن در مجلس محترم نیز انجام شد.

موافقت مقام معظم رهبری در خصوص بررسی برجام توسط مجلس شورای اسلامی، از منظر اجرای اصل ۷۱ قانون اساسی (محوریت و در راس امور بودن مجلس) بوده است و به همین دلیل نیز برجام امضا شده در تیرماه ۱۳۹۴ در وین، علی‌رغم مباحث تخصصی و مفصلی که در کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی داشت، جهت تصویب به صحن علنی ارائه نگردید.

به همین نحو، سایر طرف‌های برجام نیز، این سند را بی‌نیاز از اخذ مصوبه پارلمان‌های خود محسوب نمودند، که این امر نیز موید این نکته می‌باشد که برداشت و تفسیر طرف‌های برجام، خارج بودن این سند از دایره ترسیم شده توسط معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات می‌باشد.

مقامات آمریکایی به صورت رسمی و در جلسات استماع و همچنین در مکاتبات خود،

سند برجام را در دسته تعهدات سیاسی تعریف کرده اند. چین و روسیه فقط از زاویه شورای امنیت به سند برجام نگاه کرده و آن را سند بین‌المللی نمی دانند. اتحادیه اروپا نیز این سند را یک توافق سیاسی می‌داند و در کل هیچ یک از طرفهای جمهوری اسلامی ایران در برجام حاضر نشده‌اند نوعی وصله حقوقی الزام آور به سند برجام، پیوست کنند، حتی در نگارش سند نیز فعلهای به کار رفته بر اساس توافقات نزاکتی و سیاسی آمریکا تنظیم شده است.^۱ توجه به نحوه برخورد حقوق داخلی سایر طرفهای متعاقد برجام با این سند از آن جهت اهمیت دارد که اساساً، قصد و نیت طرفهای یک سند بین‌المللی، در تعیین ماهیت آن سند، نقش تعیین کننده‌ای را دارد. هیچ یک از طرفهای برجام، در مورد الزام آور بودن حقوقی و وجود مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض برجام، سخنی نگفته‌اند.

وانگهی، بیانیه سیاسی جمهوری اسلامی ایران که حین تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ به عنوان سند شورای امنیت به ثبت رسیده است همین این نکته می‌باشد که سند برجام، بخشی از بسته سیاسی قول و قرارهایی است که در یک فرایند سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است. در بند پنجم بیانیه سیاسی ایران آمده که جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند که این تعهدات، داوطلبانه بوده و اجرای آنها منوط به حسن نیت طرف مقابل، خواهد بود.^۲

نتیجه آنکه قصد طرفین در برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام بر آن بوده است که این سند حاوی یک توافق جامع سیاسی با ضمانت اجراهای سیاسی باشد. البته همین ضمانت اجراهای سیاسی نیز بر اساس اعتماد نسبی شکل گرفته میان طرفین توانست به صدور قطعنامه شورای امنیت برای لغو شش قطعنامه دیگری که علیه ایران صادر شده بود و نیز دستور لغو تحریم‌های یکجانبه آمریکا توسط رئیس جمهور و همچنین لغو تحریم‌های اتحادیه اروپا گردد.

^۱- حسین سادات میدانی، "برجام سندی داوطلبانه و غیرالزام آور"، دیپلماسی ایرانی، یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۴

^۲- جهت مشاهده بیانیه جمهوری اسلامی ایران، نک:

بخش دوم: برجام در اجرا

پس از نهایه شدن سند برجام، نوبت به اجرای آن رسید. اصل مسلم این بود که طرفین اصلی این سند (جمهوری اسلامی ایران و آمریکا) بدلائل تاریخی متعدد نسبت به همدیگر بی‌اعتماد می‌باشند.

فضای بی‌اعتمادی حاکم بر روابط برجامی جمهوری اسلامی ایران و طرفهای مقابل، باعث حرکت محتاطانه هر دو طرف بوده و در این خصوص، میزان احتیاط و بی‌اعتمادی طرف ایران نسبت به حرکات طرف غرب، البته بیشتر بود. گام اول در جهت اعتماد سازی نسبی بین اطراف برجام را شورای امنیت سازمان ملل برداشت. شورا با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ تلاش کرد تا ضمن تکرار تعهد به همکاری دولتها در خصوص سند برجام، به نوعی ضمانت اجرای این سند را از منظر اختیارات منشوری شورا افزایش دهد.

فصل اول: برجام و شورای امنیت سازمان ملل

شورای امنیت در راستای اعمال "صلاحیت اولیه" خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، دولتها را متعهد به حل و فصل اختلافات خود از طرق صلح‌آمیز نموده است.^۱ بدین ترتیب، دولتها بر اساس ماده ۳۳ منشور، نه تنها متعهد به عدم نقض صلح و امنیت بین‌المللی هستند، بلکه متعهدند تا با طرفهای اختلاف خود جهت حل و فصل اختلافات از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی، توسل به موسسات یا ترتیبات منطقه‌ای و یا سایر وسائل مسالمت‌آمیز وارد تعامل شوند؛ اقداماتی که پیش شرط همه آنها، داشتن حداقلی از همکاری می‌باشد.

به همین دلیل، شورای امنیت در موارد متعددی مانند قطعنامه ۶۳۸ (سال ۱۹۸۹) در مورد گروگانگیری و آدم‌ربایی و قطعنامه ۱۶۵۳ (سال ۲۰۰۶) در مورد مناطق دریاچه‌های بزرگ (اوگاندا، بروندي، رواندا)، دولتها را متعهد به همکاری با یکدیگر نموده است.

مسأله هسته‌ای و چالش‌های گذشته و پیش روی جمهوری اسلامی ایران با آژانس

^۱سربین مصفا و همکاران، تجاوز عراق به ایران و موضع‌گیری سازمان ملل متحد، تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، مصفا و دیگران، ۱۳۶۶، ص ۸۴.

بین‌المللی انرژی اتمی، بدلائیل ناموجهی به شورای امنیت کشانده شده و شورای امنیت بعنوان متکفل اصلی تشخیص تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، وارد این پرونده گردید.^۱ حاصل ورود غیر موجه شورای امنیت سازمان ملل به موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تحمیل قطعنامه‌های متعددی تحت فصل هفتم شورای امنیت علیه ایران بود.^۲ آنچه که در این قطعنامه‌ها فارغ از ماهیت الزام آور بودن آن به مخاطب خود، دارای اهمیت می‌باشد، تعمیم الزامات قطعنامه‌ها به تمامی دولت‌ها در نظام بین‌المللی می‌باشد.

این قطعنامه‌ها با مخاطب قرار دادن "کل جامعه بین‌الملل" اعم از دولت‌های عضو، غیر عضو، سازمان‌های بین‌المللی و در پاره‌ای موارد، افراد و موسسات غیر دولتی، بر لزوم اجرای دقیق تمهیدات اعلامی تاکید نموده است. قطعنامه ۱۶۹۶ (سال ۲۰۰۶)، شورای امنیت در پاراگراف ۵ خود، از تمامی دولت‌ها (All States) موكداً درخواست نموده که برخی اقدامات تضییقی را علیه ایران اعمال نمایند.^۳

مبنای تاکید بر عبارت "تمامی دولت‌ها" توسط شورای امنیت، در رضایتی است که اعضای ملل متحد در ماده ۲۵ منشور نسبت به اجرای تمامی تصمیمات شورای امنیت در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام نموده‌اند و در این بین حتی دولت‌های غیر عضو ملل متحد نیز قادر بر مستثنی کردن خود از تعهد به اجرای تصمیمات شورای امنیت نمی‌باشند. (بند ۶ ماده ۲ منشور ملل متحد).

قطعنامه ۱۷۳۷ (سال ۲۰۰۶) شورای امنیت، در پاراگراف‌های ۳، ۴، ۶، ۱۲ و ۱۹ دستورالعمل‌های صریحی را به "تمامی دولت‌ها" (All States) ابلاغ نموده است.^۴ این دستورالعمل‌ها شامل طیف گسترده‌ای از ممنوعیت تأمین اقلام مختلفی که بصورت مستقیم یا غیرمستقیم و از قلمرو دولت‌ها به سمت ایران صادر می‌گردند تا محدودیت‌های

^۱ - شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ بدون صدور قطعنامه‌ای در ارتباط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به فعالیت خود در نشست مارس ۲۰۰۶ پایان بخشید. با این حال مدیر کل آژانس اعلام داشت که وی گزارش ۲۷ فوریه ۲۰۰۶ خود را جهت تصمیم‌گیری به شورای امنیت ارسال خواهد داشت و در توجیه این اقدام به قطعنامه فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام استناد نمود.

^۲ - www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=300942

^۳ - UN Security Council Resolution: S/RES/1696(2006), Non – Proliferation, 31 July 2006

^۴ - UN Security Council Resolution:S/RES/1737 (2006), Non – Proliferation,27 Dec 2006

فروش نفت و فعالیت‌های بانکی می‌باشد.

شورای امنیت در قطعنامه ۱۷۴۷ (سال ۲۰۰۷)^۱، در مقدمه و پاراگراف‌های ۲، ۶، ۷ و ۸، در قطعنامه ۲۱۸۰۳ (سال ۲۰۰۸)، در پاراگراف‌های ۱، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۵، ۳، ۱۳، ۱۷ و بالاخره در قطعنامه ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) در پاراگراف‌های ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۸، ۲۳، ۳۱، ۳۰، ۲۴ و ۳۵، "تمامی دولت‌ها" (All States) را بر اعمال اقدامات تضيیعی و تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران ملزم کرده است.

این موضوع که آیا شورای امنیت در قطعنامه‌های پیش گفته، اقدامی فراتر از صلاحیت خود انجام داده یا خیر، موضوع مفصلی است که در بین نویسندگان حقوق بین‌الملل تحت عنوان "صلاحیت ذاتی و صلاحیت نیابتی شورای امنیت"، مورد بحث قرار گرفته است.^۲ متعاقب امضای برجام، شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) طی جلسه ۷۴۸۸ خود، قطعنامه ۲۲۳۱ را به تصویب رساند.^۳ آنچه که این قطعنامه را از قطعنامه‌های ششگانه قبلی متمایز می‌سازد، یک نوآوری منحصر بفردی از سوی شورای امنیت جهت نشان دادن دستاوردهای دول مذاکره کننده برجام می‌باشد.

متعهد ساختن تمامی دولت‌ها جهت همکاری با جمهوری اسلامی ایران، چه جایگاه حقوقی دارد؟ این یک سوال کلیدی در ارزیابی قطعنامه ۲۲۳۱ و ویژگی حقوقی سند برجام می‌باشد. قطعنامه ۲۲۳۱ (سال ۲۰۱۵) شورای امنیت در خصوص توافقات ایران با پنج بعلاوه یک (برجام)، در نوع خود، قابل توجه می‌باشد. شورا در این قطعنامه ضمن یادآوری قطعنامه‌های قبلی در خصوص ایران، در پاراگراف یازده مقدمه خود، دولت‌های عضو را جهت "همکاری" با ایران در اجرای برجام، تشویق

^۱- UN Security Council Resolution:S/RES/1747 (2007), Non – Proliferation,24 March 2007

^۲- UN Security Council Resolution:S/RES/1803 (2008),Non – Proliferation,3 March 2008

^۳- UN Security Council Resolution:S/RES/1929 (2010),Non – Proliferation,9 June 2010

^۴- در این خصوص نک: هدایت الله فلسفی، «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، پاییز و زمستان، ۱۳۶۹.

^۵- UN Security Council Resolution:S/RES/2231 (2015),Non-proliferation 20 July 2015

نموده و در پاراگراف چهاردهم مقدمه، بر تعهد دولت‌های عضو جهت اجرای تصمیمات شورای امنیت وفق ماده ۲۵ منشور تأکید می‌نماید.

این نکته با اهمیتی است که اولاً در حالی که همانگونه که در سطور قبل گفته شد، لحن قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت در مورد ایران، مخاطب‌گیری عام (و کاربرد ALL States) بود، شورای امنیت در قطعنامه حاضر، صرفاً از عبارت "دول عضو" و نه "همه دولت‌ها" استفاده نموده است که تفاوت آن با توجه به بند ۶ ماده ۲ منشور (تعمیم برخی تعهدات خاص از دول عضو به غیر عضو ملل متحد)، به روشنی، مشخص می‌باشد.

نکته دوم، تأکید قطعنامه ۲۲۳۱، بر مبنای حقوقی اطاعت دولت‌ها از تصمیمات شورای امنیت می‌باشد که در پاراگراف چهاردهم مقدمه، با تصریح بر ماده ۲۵ منشور، از آن یاد نموده است. این در حالی است که در قطعنامه‌های پیشین در رابطه با ایران، شورای امنیت آنجایی که تکالیف و مسئولیت‌های دولت‌ها در اقدامات خاص علیه ایران را ذکر می‌نمود، اساساً به این ماده و تعهدات دولت‌ها اشاره‌ای ننموده بود. آنچه که این قطعنامه را از قطعنامه‌های ششگانه قبلی متمایز می‌سازد، یک نوآوری منحصر بفردی است که شورای امنیت اقدام به ارائه آن نموده است.

این نوآوری از دو جهت می‌باشد:

- قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، با یادآوری تمامی شش قطعنامه قبلی، ختم مقررات تمامی آنها را اعلام نموده و از تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا به دستورالعمل‌های قطعنامه حاضر بر اساس ماده ۲۵ منشور ملل متحد عمل نمایند.
- ضمن استقبال از برجام، تمامی اعضای متعهد این سند را نسبت به اجرای صحیح و با حسن نیت این توافق ترغیب و به آنها توصیه موکد می‌کند.

در این قطعنامه، به دولت‌ها ابلاغ می‌شود که همانگونه که در قطعنامه‌های قبلی در مورد ایران، تمامی دولت‌ها موظف به انجام برخی اقدامات محدودکننده علیه ایران بودند، بر اساس این قطعنامه، شورای امنیت تمامی دولت‌های عضو را "متعهد به همکاری با ایران جهت اجرای برجام" و متعهد به "کان لم یکن نمودن" اقدامات قبلی دانسته است. بعبارت دیگر در قطعنامه ۲۲۳۱، شورای امنیت، اقدامات الزامی قبلی دولت‌ها را ممنوع و اقدامات

ممنوع اعلام شده قبلی را الزامی نموده است.

شورا در ماده یک قطعنامه خود، "برجام را تایید می‌نماید و با ابرام، خواستار اجرای کامل آن بر اساس برنامه زمانبندی مندرج در برجام می‌باشد". همچنین در ماده ۲، "از همه دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌خواهد آن دسته از اقداماتی که برای حمایت از برجام مناسب می‌باشد را اتخاذ نمایند".

فصل دوم: خوانش جمهوری اسلامی ایران از وضعیت اجرای تعهدات برجام

پس از تایید برجام توسط شورای عالی امنیت ملی،^۱ مجلس شورای اسلامی ایران در تاریخ ۹۴/۷/۲۱ قانون "اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام" را به تصویب رسانیده و نهایتاً با مکاتبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۹ مقام معظم رهبری با رئیس جمهور محترم، برجام از نظر جمهوری اسلامی ایران یک توافق لازم الاجرا شناخته شد. بر اساس تبصره یک قانون "اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام"، وزیر امور خارجه موظف است روند اجرای توافقنامه را هر سه ماه یکبار به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گزارش دهد. بدین ترتیب، تاکنون وزیر امور خارجه ایران چهار گزارش را به مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه اجرای برجام ارائه نموده است.^۲ بر اساس آخرین گزارش وزیر امور خارجه ایران به مجلس شورای اسلامی (در تاریخ ۹۵/۱۰/۲۶)، «باراک اوباما» با عدم وتوی لایحه تمدید تحریم‌ها علیه ایران موجب شد تا تحریم‌های موصوف به «آیسا» بار دیگر تمدید شود. لایحه تمدید آیسا توسط مجلس نمایندگان آمریکا با ۴۱۹ رأی در برابر ۱ رأی مخالف به تصویب رسیده و متعاقب آن مجلس سنا نیز در یازدهم آذر ۱۳۹۵ با ۹۹ رأی مثبت و بدون هیچ رأی مخالفی، طرح تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ضد ایرانی را تصویب کرد. قانون مذکور زیربنای تحریم‌های یک جانبه آمریکا علیه ایران به شمار آمده و اولین بار در

^۱ Entekhab.ir - علاء الدین بروجرودی خبرداد: تصویب برجام در شورای عالی امنیت ملی، ۱۳۹۴/۷/۱۲

^۲ - گزارش نخست، در تاریخ ۹۵/۱۰/۲۶، گزارش دوم، در تاریخ ۹۵/۴/۲۶، گزارش سوم در تاریخ ۹۵/۷/۲۶ و گزارش چهارم در تاریخ ۲۶ دی ۹۵ کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است.

سال ۱۹۹۶ با هدف جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران تصویب شد. این قانون در سال ۲۰۰۶ نیز تمدید شد و در پایان سال ۲۰۱۶ منقضی می‌گردد.

بنا بر گزارش دوره‌ای وزارت خارجه ایران، "در جریان مذاکرات برجام، موضوع لغو تمام قوانین تحریمی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از جمله آیسا، جزو مباحث اصلی در طول مذاکرات انجام شده میان ایران و آمریکا بود. در متن برجام، تعهد کلی آمریکا مبنی بر خودداری از وضع یا تحمیل مجدد تحریم‌هایی که وفق برجام، رفع یا ملغی‌الایر می‌شوند، در بند ۲۶ درج شد. جمهوری اسلامی ایران تاکید داشته و دارد که این تعهد شامل ممانعت از تمدید آیسا که قانونی با تاریخ انقضاء بود نیز می‌گردد."^۱

این اقدام آمریکا که از نظر طرف ایرانی، مغایر با تعهدات برجامی آن کشور بود، موجب شد تا "وزارت امور خارجه ایران بطور رسمی خواستار برگزاری جلسه کمیسیون مشترک برجام برای رسیدگی به بدعهدی آمریکا شد."^۲ پیش از تمدید این قانون توسط آمریکا، طرف ایرانی طی مکاتبه رسمی با نماینده عالی اتحادیه اروپا و هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام، عواقب تمدید آیسا در آمریکا را "تهدیدی بی‌سابقه علیه برجام دانسته و تاکید نمود این قانون در صورت اجرا، آشکارا متن، روح و هدف برجام را نقض می‌کند."^۳

در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۹۵، وزیر خارجه ایران طی نامه‌ای خطاب به مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که همزمان هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام نیز می‌باشد، اعلام نمود "قانون آیسا، چه با امضا و چه بدون امضای رئیس‌جمهور آمریکا، ناقض تعهدات آمریکا در بندهای ۲۶ و ۲۸ برجام بوده و صراحتاً مغایر با اصل حسن نیت در اجرای برجام و در تعارض آشکار با تعهد صریح همه طرفهای برجام مبنی بر خودداری از هر اقدام مغایر با متن، روح و هدف برجام که اجرای موفقیت‌آمیز این توافق را تضعیف نماید، می‌باشد (بند

^۱ - چهارمین گزارش سه ماهه وزارت امور خارجه به کمیسیون ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در مورد اجرای برجام - ۲۶ مهر الی ۲۶ دی ۱۳۹۵، تاریخ ارائه گزارش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶، بخش سوم(الف)، ص ۳۳.

^۲ - پیشین.

^۳ - پیشین، ص ۳۴.

هشتم مقدمه و شروط عمومی).^۱

در این نامه، طرف ایرانی از هماهنگ کننده کمیسیون مشترک برجام خواست علاوه بر انعکاس این نامه به همه طرف‌های برجام، برای تشکیل جلسه کمیسیون مشترک برجام اقدام نموده و تمهیدات لازم برای برگزاری جلسه گروه کاری رفع تحریم‌ها را اتخاذ نماید. پیرو این درخواست، کمیسیون مشترک ۱+۵ و جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۱ دی‌ماه ۱۳۹۵ برگزار گردید. نتیجه این نشست تاکید کمیسیون و اعضای آن بر "تعهد قاطع کلیه طرف‌های برجام برای تداوم اجرای کامل و مؤثر برجام" بود.

در بیانیه مطبوعاتی صادر شده در پایان نشست کمیسیون مشترک، ضمن تاکید مجدد بر اهمیت تعهدات مرتبط با رفع تحریم‌ها وفق برجام، بویژه در ارتباط با آیسآ، تضمین‌های ارائه شده توسط آمریکا را مبنی بر اینکه تمدید قانون تحریم‌های ایران به هیچ عنوان تأثیری بر فرایند رفع تحریم‌هایی که ایران طبق برجام از آنها بهره‌مند می‌شود، نداشته و به هیچ روی محدودیتی برای شرکتها از حیث انجام مرادوات بازرگانی با ایران ایجاد نخواهد کرد.^۲ بدین ترتیب، یکبار دیگر تعهدات طرف‌های برجام بر پایبندی‌شان نسبت به تعهدات برجام مورد تاکید قرار گرفته و طرف‌های متعاقد، بر ضرورت اجرای کامل و مؤثر این توافق، تصریح نمودند.

با تجمیع تعهدات شناسایی شده برای کلیه دولت‌ها در همکاری با قطعنامه‌های فصل هفت شورای امنیت و تاکید قطعنامه ۲۲۳۱ بر اینکه این قطعنامه در چارچوب تعهدات تصریح شده در ماده ۲۵ منشور در رابطه با همکاری دولت‌ها با شورای امنیت صادر شده است، و از طرف دیگر تایید قاطعانه این قطعنامه نسبت به برجام بعنوان دستاوردی مهم، مشخص می‌گردد که اولاً، برجام یک معاهده بین‌المللی نیست و دولت‌های متعاقد نمی‌توانند به صرف ادعای نقض تعهد یکی از طرف‌های متعاقد، منبعث از مقررات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اقدام به نقض متقابل برجام نمایند بلکه سازوکارهای حل و

^۱- پیشین، ص ۳۵.

^۲- پیشین، ص ۳۶.

فصل اختلافات درون برجامی، در خود توافق، روش‌های برخورد با نقض‌های احتمالی هریک از اطراف برجام را مشخص نموده است.

بر اساس ماده ۳۶ برجام (بخش ساز و کارهای حل و فصل اختلافات)، در صورت وجود ادعایی از سوی هر کدام از طرفهای برجام مبنی بر نقض توافقات اعضا، مراتب به کمیسیون مشترک (موضوع پیوست چهارم برجام) ارجاع خواهد گردید.

آنچه که در ماده ۳۶ برجام در خصوص روند اجرایی ادعاهای نقض برجام پیش بینی شده است، شامل یک ضرب الاجل ۱۵ روزه برای رسیدگی در کمیسیون و در صورت عدم فیصله اختلاف، ارجاع مجدد موضوع به وزرای خارجه طرفهای برجام (با یک ضرب الاجل دیگر ۱۵ روزه) و برای سومین بار در صورت عدم جمع بندی وزرای امور خارجه (و یا همزمان با بررسی آنها)، رسیدگی توسط هیات مشورتی (شامل یک نماینده از سوی دو طرف اختلاف و یک نماینده مستقل) انجام شده و چنانچه نظریه غیرالزام آور این هیات نیز که می‌بایست تا ۱۵ روز اعلام گردد، مسموع قرار نگرفت، کمیسیون مشترک مجدداً ظرف ۵ روز نظر هیات مشورتی را بررسی نموده و چنانچه اختلاف کماکان باقی بوده و طرف شاکی مدعی باشد که اقدام طرف مقابل، مصداق "عدم پایبندی اساسی" می‌باشد، آنگاه مراتب به شورای امنیت گزارش خواهد شد.

ماده ۳۷ برجام نیز ضرب الاجل ۳۰ روزه برای اتخاذ تصمیم از طرف شورای امنیت قائل شده است.

بدین ترتیب از لحظه بروز یک اختلاف و ادعای نقض اساسی برجام تا تصمیم‌گیری در شورای امنیت، مراحل چندگانه‌ای با حداقل زمان هشتاد روزه (در صورت عدم تمدید ضرب الاجل‌های ذکر شده در مواد ۳۶ و ۳۷) پیش‌بینی شده است. موارد فوق‌الذکر در بخش "ساز و کارهای حل و فصل اختلافات" برجام (مواد ۳۶ و ۳۷)، در مواد ۱۰ الی ۱۵ قطعنامه ۲۲۳۱ نیز به تفصیل مورد تاکید و تکرار قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

ارزیابی حقوقی و بی طرفانه در مورد اقدام ایران در آزمایش موشکی و پاسخ آمریکا در اعمال تحریم‌های جدید در مقطع پسابرجام، مبین نکات زیر می‌باشد:

- توافق برجام، منحصراً در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده و حقوق و تکالیف طرفهای برجام در خارج از موضوعات هسته‌ای، مبنایی در برجام ندارند.
- برجام، یک توافق سیاسی چندجانبه بوده و مستنبط از قصد و نیت طرف‌های برجام، این سند در چارچوب معاهدات بین‌المللی نمی‌گنجد و به همین دلیل طرف‌های آن نمی‌توانند به صرف ادعای نقض تعهد از سوی طرفی دیگر، با استناد به مجوز نقض متقابل (ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹)، مجاز به اقدامی متقابل در نقض توافق باشند و لازم است در اینصورت صرفاً به مکانیزم پیش‌بینی شده در خود برجام (کمیسیون مشترک برجام) متوسل شوند.
- قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، بعنوان ضمانت اجرای برجام، ضمن تایید کامل برجام و تاکید بر لازم الاجرا شدن آن، از تمامی طرف‌های این سند درخواست می‌نماید تا به تعهدات خود پایبند بوده و خود نیز در اجرای برجام، تمامی قطعنامه‌های قبلی شورا راجع به اعمال تحریم‌های تحت فصل هفت منشور ملل متحد را ملغی نمود.
- تلاش‌های اخیر دولت آمریکا در تضعیف و ناکارآمد نشان دادن برجام و نیز اعمال تحریم‌های جدید علیه برخی شرکت‌ها و اشخاص ایرانی، نه تنها در تعارض با تعهدات برجامی این کشور بلکه ناقض ماده یک قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مبنی بر الزام بر اجرای کامل آن بر اساس برنامه زمانبندی مندرج در برجام بوده و همچنین بر خلاف ماده ۲ این قطعنامه: "از همه دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌خواهد آن دسته از اقداماتی که برای حمایت از برجام مناسب می‌باشد را اتخاذ نمایند"، می‌باشد.

علاوه بر این، با عنایت به تایید صریح و بدون شرط برجام از سوی شورای امنیت، لازم است تا هرگونه ادعایی مبنی بر نقض برجام در چارچوب مکانیزم پیش‌بینی شده این سند، مورد رسیدگی و نهایتاً تصمیم‌گیری قرار گیرد. مواد ۳۶ و ۳۷ برجام، در بردارنده سازوکارهای رسیدگی و تصمیم‌گیری در خصوص هرگونه ادعای طرف‌های این سند در خصوص نقض احتمالی تعهدات برجامی می‌باشد.

با این حال و علی‌رغم تصریح برجام و تاکید قطعنامه ۲۲۳۱، ایالات متحده آمریکا با یک تصمیم عجولانه و غیرحساب شده، آزمایش موشکی ایران که نه از لحاظ شکل و نه از جهت محتوا، در درون برجام قرار نداشته را مستمسک قرار داده و با اعمال تحریم‌های جدید، تخلف آشکاری از تعهدات خود انجام داده است.

نقض برجام، با عنایت به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، موجب بوجود آمدن مسئولیت دولت ناقض بخاطر تعهد در قبال تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد. ماده ۲۵ منشور سازمان ملل^۱، تمامی اعضای ملل متحد را مشمول تعهد به همکاری با تصمیمات شورای امنیت نموده و در موارد مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی، حتی کشورهای غیر عضو سازمان ملل را نیز موظف به اجرای تصمیمات شورای امنیت نموده است.^۲ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز در ماده ۷ خود، ضمن تصریح در مواد ۷، ۸ و ۹ قطعنامه بر شمولیت این قطعنامه تحت فصل هفتم منشور، خاتمه هفت قطعنامه تحریمی (۱۹۲۹، ۱۸۳۵، ۱۸۰۳، ۱۷۴۷، ۱۷۳۷، ۱۶۹۶ و ۲۲۲۴) را اعلام نمود.^۳

مفهوم تاکید این قطعنامه به ماده ۴۱ منشور (فصل هفت) در خاتمه قطعنامه‌های هفتگانه فوق، این است که همانگونه که تمامی کشورها در اجرای قطعنامه‌های هفتگانه دارای یک الزام حقوقی ناشی از ماده ۲۵ منشور بوده‌اند، اکنون نیز بر همان مبنای الزام آور، موظف به خاتمه دادن به کلیه تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. با عنایت به این رویکرد شورای امنیت، هرگونه اقدام تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران و یا هرگونه تصمیمی از سوی کشورهای طرف برجام که نتیجه آن اقدامات تزییعی علیه روابط اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران با جهان خارج بدلائیل موضوع هسته‌ای ایران

^۱- Art 25: The member of the United Nations agree to accept and carry out the decisions of the security council in accordance with the present charter.

^۲- Art.2(6): The organization shall ensure that states which are not members of the United Nations act accordance with these principles so far as may be necessary for the maintenance of international peace and security.

^۳- UNSE Resolution 2231(para.7): Decides,acting under Article 41 of the charter of the United Nations, that , upon receipt by the security council of the report from the IAEA described in paragraph 5 :

a)Theprovisions of resolution 1696(2008), 1737(2006), 1747(2007), 1803(2008), 1835(2008), 1929(2010) and 2224(2015) shall be terminated.

باشد، مخالف روح برجام و ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به شمار می‌آید.

منابع و مأخذ

۱. برانلی، یان (۱۳۸۳)، حقوق بین‌المللی در واپسین سال‌های قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰)، مقابله با جرایم بین‌المللی، تعهد دولت‌ها به همکاری؛ تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۳. فلسفی، هدایت‌الله، «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، پاییز و زمستان، ۱۳۶۹.
۴. سادات میدانی، حسین، "برجام سندی داوطلبانه و غیرالزام آور"، دیپلماسی ایرانی، یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۴.
۵. سان خوزه جیل، امپارو، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر؛ ترجمه ابراهیم بیگ زاده؛ مجله تحقیقات حقوقی؛ بهار - تابستان ۱۳۷۹.
۶. کاسه سه، آنتونیو (۱۳۸۷)، حقوق کیفری بین‌المللی؛ ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند، زهرا موسوی؛ تهران، انتشارات جنگل.
۷. مصفا، نسرین و همکاران (۱۳۶۶)، تجاوز عراق به ایران و موضع‌گیری سازمان ملل متحد، تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران. مصفا و دیگران.
۸. والاس، ربکا (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل؛ ویرایش دوم؛ ترجمه و تحقیق: سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو؛ تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.

1.Duncan,Gareth,"Common but Diffrented Responsibilities: The Imlication of Principle Seven and Futy to Cooperate on the Implementation of the Convention on Biological Diversity", Dalhouseie University Law School, Halifax, Canada, 2002

2.Nader Marandi & Mohammad Mehdi Hooshmand, "JCPOA; A Dialectical Paradigm of Treaty and other International Instruments", Journal of Politics and Law, Vol.9 , No. 3 , Published by Canadian Center of Science and Education, 2016.

3.ICJ, "Reservations to the convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide", Advisory opinion, 1951.

4."Statement by France, Germany, United Kingdom, United States and the High Representative of the European Union for Foreign Affairs and Security Policy on Post-JCPOA Business with Iran", Bruxelles, 19/05/2016,

https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/2788_en

5. www.mfa.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2022&newsview=349928.

6. www.treasury.gov/resource-center/sanctions/OFAC-Enforcement/Pages/20170203.aspx, 2/3/2017

7. UN Security Council Resolution: S/RES/1696(2006), Non – Proliferation, 31 July 2006

8. UN Security Council Resolution: S/RES/1737 (2006), Non – Proliferation, 27 Dec 2006

9. UN Security Council Resolution: S/RES/1747 (2007), Non – Proliferation, 24 March 2007

10. UN Security Council Resolution: S/RES/1803 (2008), Non – Proliferation, 3 March 2008

11. UN Security Council Resolution: S/RES/1929 (2010), Non – Proliferation, 9 June 2010

12. UN Security Council Resolution: S/RES/2231 (2015), Non-proliferation 20 July 2015





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی